

❖ ردیف

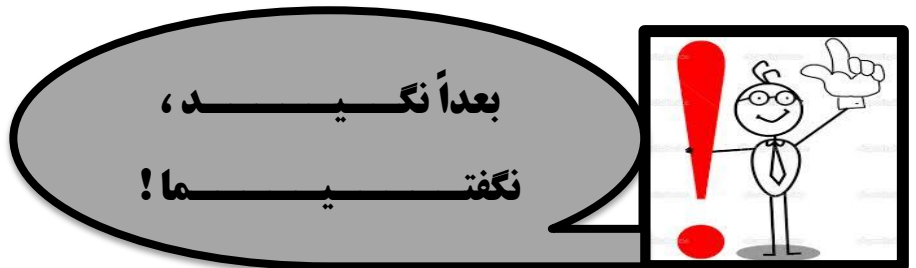
به کلمه یا کلماتی که در آخر هر بیت بعد از قافیه عیناً تکرار می شود ، ردیف می گویند .

مانند : از ظلمت خود رهایی ام ده

با نور خود آشنایی ام ده

ردیف

ردیف



۱. زمانی دو کلمه ردیف هستند که : الف) از نظر تلفظ یکسان باشند ب) معنی یکسانی داشته باشند

مثال ۱: بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند

ردیف

ردیف

مثال ۲: آتش است این بانگ نای و نیست یاد

هر که این آتش ندارد نیست یاد

به معنی وزنده

به معنای فعل دعایی ، باشد

در مثال ۲ چون (باد و باد) معنی یکسانی ندارند با هم ردیف نیستند و قافیه هستند .

۲. در یک بیت آوردن ردیف اختیاری است اما آوردن قافیه می تواند ضروری باشد . پس اگر بیتی ردیف

نداشته باشد آخرین کلمه قافیه است .

۳. اگر کلمه ای در یک بیت قبل از قافیه قرار گیرد و عیناً تکرار شود ، ردیف به حساب نمی آید .

مانند : جایی که دریاست من کیستم

گر او هست ، حقا که من نیستم

قافیه

قافیه

❖ **مقطع** : به اولین بیت یک شعر مطلع گفته می شود .

❖ **مقطع** : به آخرین بیت یک شعر مقطع می گویند که معمولاً شاعر نام شعری خود را در آن

می آورد .

❖ **تخلص** : به نام شعری شاعر که معمولاً در ابیات آخر شعرها آورده می شود (تخلص)

می گویند .

چشم بند امل از چشم بشر بگشاید

مانند : از پی دیدن این داغ که خاقانی راست

تخلص

در بیت بالا خاقانی نام شاعری است که شعر را سروده است .

قالب شعر

قالب شعر همان وزن و آهنگی است که شعر به وسیله ی آن خوانده می شود . قالب شعر را بر اساس ترتیب قرار گرفتن قافیه در شعر می سنجند .

ما در زبان و ادبیات فارسی انواع قالب شعر را داریم که در دو سال گذشته با چند تا از آنها آشنا شده اید . سعی می شود مواردی که یادآوری می شود به صورت کامل تر بیان شود .

❖ قالب مثنوی

مثنوی در لغت به معنای دو تایی و در اصطلاح به قالب شعری گفته می شود که هر بیت آن قافیه ای جداگانه داشته باشد . به مثنوی دوگانگی نیز می گویند .

مثنوی مناسب ترین قالب شعری برای بیان داستان های پهلوانی ، عارفانه ، عاشقانه ی بزمی و اخلاقی است . این نوع شعر برای بیان مطالب طولانی استفاده می شود . تعداد ابیات مثنوی حداقل دو بیت اما حداکثر محدودیتی ندارد . اما همچنان که گفتیم ؛ مثنوی برای موضوع های زیر سروده می شود .

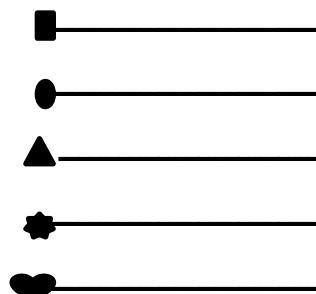
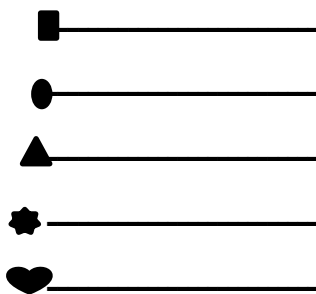
۱. اخلاقی تعلیمی : مانند کتاب بوستان سعدی

۲. بزمی و عاشقانه : مانند کتاب خسرو و شیرین اثر نظامی گنجوی ، ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی

۳. عارفانه : مانند کتاب های مثنوی مولوی ، منطق الطیر عطار نیشابوری و حدیقه الحقیقه ی سنایی

۴. تاریخی ، حماسی و داستان های پهلوانی : مانند کتاب های شاهنامه ی فردوسی و اسکند نامه ی نظامی گنجوی

از مثنوی سرایان معروف ، فردوسی ، نظامی گنجوی ، سعدی شیرازی ، عطار نیشابوری ، مولوی ، فخرالدین اسعد گرگانی ، سنایی ، شهریار و پروین اعتصامی و ... را می توان نام برد .



طرح گرافیکی
قالب مثنوی

پرسش و پاسخ



۱- با توجه به واژه های زیر کدام یک می توانند با هم قافیه تشکیل دهند ؟
نام - چراغ - عالم - خاک - جام - نالم - پاک - فراغ

۲- در ابیات زیر ، ردیف ، قافیه و حرف روی را مشخص کنید .

• ز فضلش هر دو عالم گشته روشن ز فیضش خاک آدم گشت گلشن

• جهان ، جمله فروغ نور حق دان حق اندر وی ، ز پیدایی است پنهان

• در او هر چه بگفتند از کم و بیش نشانی داده اند از دیده ی خویش

• از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده

۳- قالب مثنوی را تعریف کرده و موضوع های آن را با مثال بنویسید .

❖ جمله

به سخنی گفته می شود که مفهومی را از گوینده به شنونده انتقال دهد و ممکن است که از یک یا چند کلمه درست شده باشد .

مانند : آدم ← جمله ی یک کلمه ای (فعل)

غذا خوردم ← جمله ی چند کلمه ای

ن ک ه : جمله های یک کلمه ای « فعل » هستند که معنای یک جمله ی کامل را می دهند .

جمله از دو بخش تشکیل شده است :

(۱) نهاد : به کلمه یا گروهی از کلمات گفته می شود که درباره ی آن خبری داده می شود.

راه به دست آوردن نهاد : پرسش (چه چیزی یا چه کسی ؟) + فعل

پاسخی که به دست می آید نهاد است .

مثال : بخندد بر من مهان جهان از این بچه در آشکار و نهان

چه کسانی به من بخندند ؟ مهان جهان (نهاد)

(۲) گزاره : کلمه یا کلماتی که خبری درباره ی نهاد به ما می دهند .

در همان مثال بالا بقیه ی اجزای بیت گزاره هستند .

ن ک ه : مهم ترین قسمت گزاره فعل می باشد .

انواع نهاد :

۱. نهاد جدا : همان کلمه یا کلماتی هستند که در پاسخ چه چیز و چه کس ؟ به دست می آیند

مانند : باد بهاری وزید از طرف مرغزار

چه چیزی از طرف مرغزار وزید ؟ باد بهاری (نهاد)

۲. نهاد پیوسته (پنهان) : همان شناسه ها هستند که به فعل می چسبند

شناسه ها شامل : م - ی - د - یم - ید - ند

مثال ۱ : در او هر چه بگفتند از کم و بیش

نهاد پیوسته

مثال ۲ : خیز و غنیمت شمار ، جنبش باد ربیع

تو = نهاد (پیوسته پنهان)

۳. نهاد فاعلی : وقتی در جمله ، نهاد انجام دهنده ی کار باشد ، فاعلی است .

مانند : زهرا درسش را خواند .

نهاد فاعلی

۴. نهاد غیر فاعلی (مسند الیه) : وقتی در جمله حالتی به نهاد نسبت داده شود .
مانند : زهرا از امتیاز کلاسی ، خشنود شد .

ز ک ه : در جمله نهاد به سه صورت می آید :

ا) نهاد + گزاره _____ مولوی یکی از بهترین مثنوی سرایان است .

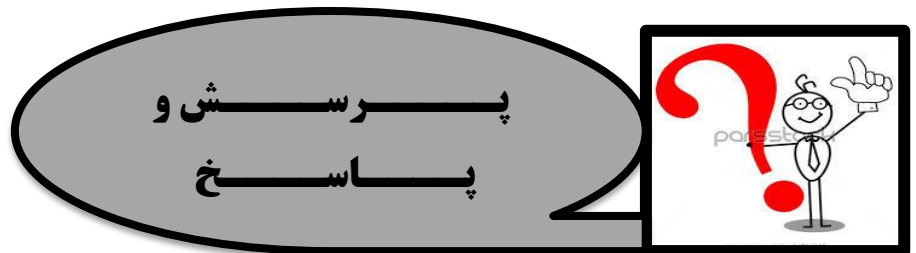
نهاد گزاره

ب) گزاره + نهاد + گزاره _____ پس از ظهور اسلام ، تمدن عظیمی ، به وجود آمد .

گزاره نهاد گزاره

ج) گزاره + نهاد _____ گشت غمناک دل و جان عقاب

گزاره نهاد



در ابیات و عبارات زیر نهاد و گزاره را مشخص کن .

- اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل .
- هر گل و برگی که هست یاد خدا می کند .
- نیاکانت را ورزش آن مایه داد که شهنام ز ایشان به تابندگی است .
- خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او چشم دگر جوی
- گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی

❖ تغییر جای اجزای جمله در شعر

چون شاعر در شعر ، گرفتار محدودیت وزن و قافیه است ، نمی تواند تمام اجزای جمله را در جای اصلی خودش بیاورد ؛ علاوه بر این گاهی ، تأکید روی یکی از اجزای جمله شاعر را وادار می کند که اجزای جمله را در جای اصلی خودش بیاورد .

مانند : بگیری از آن گنج هر جا سراغ ← هر جا از آن گنج سراغ بگیری .
جدا شد یکی چشمه از کوهسار ← یک چشمه از کوهسار جدا شد .

ن ک ه : فعل جمله معمولاً در پایان جمله می آید . اما گاهی بنا بر ضرورتی (محدودیت وزن و قافیه یا تأکید) فعل ، در پایان جمله نمی آید که در مثال بالا دیدید .

❖ ترتیب اجزای جمله

نقش ها در جمله به دو دسته تقسیم می شوند :

۱. نقش های اصلی

۲. نقش های غیر اصلی (فرعی)

➤ نقش های اصلی : در ترتیب اجزای جمله نقش های اصلی ، جزء اصلی جمله هستند و نمی توانیم آنها را از جمله حذف کنیم .

مانند : نهاد (فاعل) - مفعول - فعل

ن ک ه : ترتیب اجزای جمله به همین صورت که در بالا نوشته شد ، می آید .

➤ نقش های غیر اصلی (فرعی) : نقش هایی چون : صفت - مضاف الیه - متمم - قید و ... را می توانیم از جمله حذف کنیم و معنی جمله هم تغییر نمی کند .

مثال : زهرا مداد زیبایی از فروشگاه خرید .
نهاد مفعول صفت متمم فعل

درس نامه ی درس اول : معرفت آفریدگار

***** دانش زبانی *****

❖ انواع جمله

جمله از نظر پیام و محتوا به چهار دسته تقسیم می شود :

(۱) جمله ی خبری (۲) جمله پرسشی (۳) جمله ی امری (۴) جمله ی عاطفی

➤ **جمله ی خبری** : جمله ای است که به ما خبری می دهد .

مانند : او محبوب همه ی مسلمانان جهان و مایه ی افتخار ایران بود .

ز ک ت ه : علامت نگارشی جمله ی خبری (.) نقطه ، است .

➤ **جمله ی پرسشی** : جمله ای که در مورد یک عمل یا یک واقعیت ، سؤال می کند .
مانند : چه کسی با من حرف زد ؟

ز ک ت ه : جمله ی پرسشی به دو صورت می آید :

الف (همراه با نشانه های پرسشی (آیا / چگونه ؟ چرا ؟ مگر ؟ کدام ؟ کدامین ؟ هیچ ؟)
مانند : آیا غذا خورده ای ؟

ب) بدون نشانه های پرسشی (پرسش غیر مستقیم) ، ما از طریق لحن و آهنگ متوجه جمله پرسشی می شویم .

مانند : غذا خورده ای ؟

همچنین در پایان جمله ی پرسشی علامت (؟) سؤالی ، می آید .

➤ **جمله ی امری** : جمله ای که در آن مفهوم دستور یا خواهشی ، توصیه ، نهی و بازداشتن وجود داشته باشد .
مانند : لطفاً سر جایتان بنشینید .

ز ک ت ه : فعل امر دو ساخت دارد :

الف) دوم شخص مفرد که بدون شناسه است . گاهی در شعر یا نثر نشانه ی (ب) از اول فعل امر حذف می شود .

مانند : برو ، بخوان ، بنشین

ب) : دوم شخص جمع که با شناسه (ید) می آید .

مانند : بروید ، بخوانید ، بنشینید

همچنین ، علامت نگارشی پایان جمله امری (.) نقطه است . و محتوای جمله ، فقط از روی فعل ، علامت نگارشی و لحن خواندن مشخص می شود .

➤ **جمله ی عاطفی (تعجبی)** : جمله ای که یکی از عواطف یا احساسات انسان مانند : آرزو ، تأسف ، تعجب ، امید ، نفرین ، دعا ، خشم و ... را بیان می کند .

مانند : پاینده باد ایران !
کاش روزی به کام خود برسید / بچه ها آرزوی من این است !

ز ک ت ه : علامت نگارشی پایان جمله ی عاطفی (!) تعجبی ، است .

ممکن است هر جمله یا شعر یا عبارتی با توجه به فعلی که دارد چند پیام داشته باشد .

مثال : هر گل و برگی که هست ، یاد خدا می کند / بلبل و قمری چه خواند ؟ یاد خداوندگار

پرسش و پاسخ



جمله ها و ابیات زیر را از نظر محتوا مشخص کن

- باد بهاری وزید از طرف مرغزار
- دل شب محرم سرا... است
- برو کار می کن مگو چیست کار
- که سرمایه ی جاودانی است کار
- الهی ، دلی ده که در کار تو جان بازیم
- خندید بر او شعله که از دست که نالی
- ناچیزی تو کرد بدین گونه تو را خوار
- خدا به شما خیر دهد .



تاریخ ادبیات

بلعمی از بزرگان و نویسندگان تاریخ زبان و ادب فارسی در قرن چهارم بود . وی روزگاری را در وزارت سامانیان سپری کرد ، ترجمه ای تاریخ طبری و تألیف ان به زبان فارسی از آثار اوست متنی که با عنان معرفت آفریدگار ، می خوانید ، از کتاب تاریخ بلعمی برگرفته شده است

شمارش جمله

در زبان فارسی فعل بر دو گونه است :

۱. حذف به قرینه ی لفظی : فعل یک بار در جمله می آید و بار دوم تکرار نمی شود .
مانند : چه کسی در را باز کرد ؟ مادر . (باز کرد) حذف به قرینه ی لفظی
۲. حذف به قرینه ی معنوی : فعل اصلاً در جمله نمی آید و ما از روی معنی و مفهوم به فعل حذف شده پی می بریم .

برفش بیش تر (است)

مانند : هر که بامش بیش (است)

برای شمارش جمله باید موارد زیر را به خاطر بسپاریم :

۱- یک فعل به تنهایی خودش یک جمله محسوب می شود .

مثال : زهره به مدرسه آمد و رفت .

جمله اول جمله دوم

۲- فعل های حذف شده که در بالا توضیح دادیم هم یک جمله محسوب می شوند .

مثال : مادر پرسید : لیوان آب را کجا بردی ؟ پاسخ دادم : پیش خواهرم (بردم)

عبارت مثال بالا از چهار جمله تشکیل شده و با دقت متوجه می شوید که ما فعل حذف شده را هم شمردیم ، با اینکه در جمله نبود ولی خودمان متوجه حذف لفظی آن شدیم .

۳- شبه جمله ها هم یک جمله هستند .

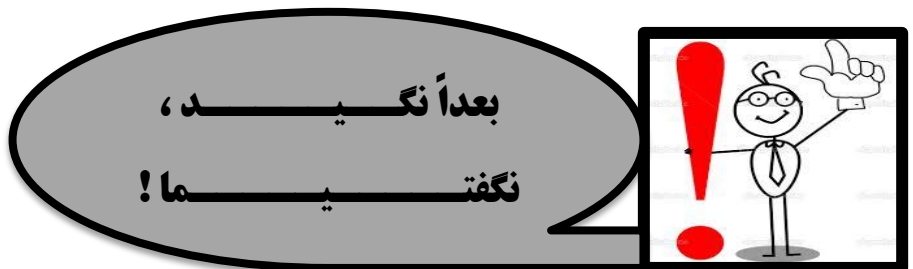
به عبارت هایی که بدون فعل معنی کاملی می دهند ، شبه جمله می گویند .

شبه جمله ها

۱- ندا و منادا
۲- اصوات

۱- منادا و منادا : به کلمه ای (اسمی) که مورد خطاب قرار می گیرد منادا می گویند و به حروفی که قبل از منادا است حرف ندا می گویند . مانند : ای خدا ! این وصل را هجران مکن .

حرف ندا منادا



۱. نشانه های ندا ، عبارتند از (ای - یا - ایها - الا - ا ← در آخر منادا و ...)

۲. گاهی نشانه های ندا از جمله حذف می شود .

مثال ۱: کاش روزی به کام خود برسید / بچه‌ها! آرزوی من این است . ای بچه‌ها

مثال ۲: دست در دامن زد در / که علی ، بگذر و از ما مگذر ای علی

۳. اگر نشانه ی ندا نیاید یا علامت (!) بعد از آن قرار گیرد یا حتماً یک (،) بعد از اسم قرار می گیرد . پس منادا یک جمله است .

۲- اصوات (جمع صوت) : گاهی برای حالت هایی مانند آرزو ، اندوه ، شادی از کلمه هایی استفاده می شود .

(ا) تعجب و شگفتی : شگفتا - عجباً - به - عجب و ...

(ب) تحسین : آفرین - احسنت - خوشا - به به - بارک ا... - ماشاءا... و ...

(ج) غم و افسوس : آه - افسوس - دریغ - دریغا - حیف - دردا - آخ - وای - حسرتا - وه و ...

(د) آگاه کردن و هشدار دادن : زنهار - مبادا - الا - هان - هین - سلام - خداحافظ - بله - خیر - نه و ...

(ه) آرزو و تمنا : کاش - کاشکی

آیا می دانستید:



۱. اگر پس از فعل جمله (و — واو) و (یا) قرار بگیرد ، پس از آن هر کلمه ای باشد به تنهایی خود یک جمله محسوب می شود .

مثال ۱ : این خبر را من بدهم یا تو ؟ می دهی (فعل حذف شده)

مثال ۲ : برو کارگر باش و امیدوار باش (فعل حذف شده) که از یأس جز مرگ ناید به کار

۲. کلماتی مانند رفتن ، دیدن ، شنیدن و ... مصدر هستند و در شمارش جمله به حساب نمی آیند .

مانند : اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل .

اندیشه کردن مصدر است برای همین جمله حساب نمی شود .

۳. کلماتی مانند رفت و آمد ، گفت و شنود ، دید و بازدید ، خرید و فروش و ... فعل حساب نمی شوند.

مانند : رفت و آمد ماشین ها در این جا بسیار زیاد است .

یک جمله

پرسش و پاسخ



در ابیات و عبارات زیر تعداد جملات را مشخص کن .

- ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
- به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید
- خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او چشم دگر جوی
- من شاعرم خوش می زرم ، از عشق و از مستی رقم اما به چشمانت قسم ، چشم تو خوش تر می زند
- اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل و غفلت از این و نااندیشیدن ، تاریکی
- افزاید اندر دل و نادانی ، گمراهی است .
- برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

نکته نگارشی (۱)



تبدیل شعر به نثر

برای اینکه یک بیت شعر را به نثر تبدیل کنیم باید کارهای زیر را انجام دهیم :

- ۱) با استفاده از نشانه های فعل (انجام کار یا روی دادن حالت ، زمان ، شخص) فعل را پیدا کنیم .
- ۲) نهاد جمله را پیدا کنیم .
- ۳) نهاد را ابتدای جمله و فعل را انتهای جمله قرار دهیم .
- ۴) اگر فعل نیاز به مفعول داشت ، مفعول را در جای قرار دهیم .
- ۵) اجزای دیگر مانند صفت ، مضاف الیه ، قید ، حروف و ... هر کدام را در جای خود می گذاریم .
- ۶) به جای بعضی از واژه های دشوار ، معنی امروزی آنها را می نویسیم .

مثال ۱: هرگز نشد محبت یاران و دوستان هم پایه ی محبت و مهر و وفای تو

محبت یاران و دوستان ، هرگز برابر محبت و لطف و صفای تو نشد .
مثال ۲: برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است در نظر کردگار
هر ورق از برگ درختان سبز در نظر انسان هوشیار ، کتابی برای شناخت خدا است .

تـمـرین

ابیات زیر را بازنویسی کنید .

▪ جدا شد یکی چشمه از کوهسار به ره گشت ناگه به سنگی دچار

▪ بیا زین ره به قصر پادشاهی

▪ به راهی در ، سلیمان دید موری

▪ اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق ، روشنایی افزایش اندر دل

▪ این همه خلق را که شما بینید بدین چندین بسیاری ، این همه را خالق است .

کارگاه نویسندگی



هنگام نوشتن ، باید به نکته های زیر ، توجه داشته باشیم :

۱. از به کار بردن کلمه های گفتاری و شکسته ، در نوشته ، خودداری کنیم .
۲. سعی کنیم ، مطالب اضافه را حذف کنیم .
۳. سعی کنیم ، واژه های تکراری را حذف کنیم .
۴. سعی کنیم ، ساده و روان و خوانا بنویسیم .

تـمـرین

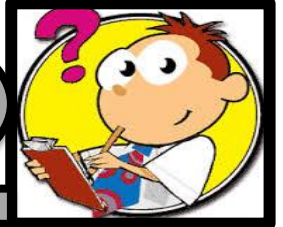
جملات زیر را ویرایش کنید .

▪ دیروز به نونوایی رفتم و از نونو دو تا نون خریدم .

▪ من درس را دوس ندارم .

▪ دوستم درس خوب خوانده بود . معلم دوستم رو تشویق کرد .

نکته املائی



در پایه ی اول خوانده اید که این چهار شکل (اِ — ه ه) هم صدا یعنی دارای یک صدا هستند . بنابراین در تلفظ ؛ این دو شکل { بـ به } با یکدیگر هم صدا و همانند خوانده می شوند . لازم است بدانید طبق قواعد املائی فارسی ، در اول « فعل ها » این شکل (بـ) استفاده می شود که به فعل بعد از خود می چسبد که بـ با کسره خوانده می شود ولی کسره ی آن نمی چسبد .

مثال : بیاید ← ب + باید ← خوانده می شود (بیاید) و بدین شکل (بیاید) نوشته می شود .

مثال : بسازید - برساند .

ولی این شکل نوشتاری ← (به) به کلمه ی بعد از خودش نمی چسبد و جدا نوشته می شود .

مثال : به نام خدایی ← یعنی (به اسم خدایی)

پرسش و پاسخ



دانش آموز عزیز، متن درس ۱ را با دقت بخوان و بعد با بستن کتاب این
۱- متن را کامل کن .

معرفت کردگار

این همه را که شما بدین چندان بسیاری ، این همه را است که
..... ایشان است و برایشان از وی است . آفریدگار را پرستیدن
و بر نعمت او باید کردن .

اندیشه کردن اندر کار و روشنایی اندر دل ، و
..... از این و تاریکی افزایش اندر دل و نادانی است .

۲- با حروف در هم ریخته ی زیر پنج واژه بنویسید که در متن درس آمده باشد .

ل - غ - ا - م - ض - ج - ر - و - ک - ع - ت - ف - ی